

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد

۰۴ جنوری ۲۰۲۴

نتانياهو نماد توحش جهان سرمایه داری

ناگزیر توضیح زمانه کنونی جدا از عریان بودنش کمی پیچیده است. پیچیدگی آن در این است که دریافت این همه کشتار و قصابی کودکان توسط آدمیان، آسان و در حقیقت قابل قبول نیست. حتی با چشمان بسته نمی توان مرتکب این گونه جنایات شد که ما در غزه نزدیک به پانصد روز شاهد آن هستیم. اگرچه غزه در دنیای نابرابر یکه و تنها نیست و چند گوشه جهان به دلیل نمایش قدرت های بزرگ بین المللی به همراه دولت ها و دسته های رنگارنگ مسلح و ارتجاعی جان هزاران انسان بی پناه و آینده سازان جامعه [کودکان] را می گیرند تا «آرام تر» و «بی دردستر» سیستم و اقتصاد از کار افتاده شان را سراپا نگه دارند.

باری، ظلم و تعدی جامعه سرمایه داری را می توان هر لحظه علیه سازندگان اصلی جوامع بشری به عین دید. اخبار منتشره و مشاهده تصاویر پر از درد و رنج انسان ها تحت سیطره حکومت مداران تبهکار بسیار شدت یافته است. جنگ و تخریب خانه و کاشانه و آواره کردن مردم به سیاست بی همتا طبقه سرمایه داری تبدیل شده است و کوچکترین فرجه ای برای آرامش و آسایش مردم بجا نگذاشته است. همه این ها [جنگ ها] به نیت آینده ای بهتر و دور از خشم و تعرض به آیندگان سازمان داده شده و می شود. همه این ها به منظور رفع ستم و زندگی مطلوب تر برای کودکان صورت می گیرد، اما بر آینده در مخالفت با نیت و گفته ها است و دهه هاست که جهان، روی هم رفته با رویدادهای غم انگیز و فجایع دردناک همچون لت و پاره شدن زنان و دختران، جوانان، نوجوانان و کودکان توسط حاکمان منفعت طلب و زورگو روبرو شده است. در حقیقت هیچ توضیح و توجیهی به غیر از سودآوری، پس زدن اعتراضات رادیکال و خواسته های حق طلبانه توده های ستمدیده و نیز خودنمایی قدرت و تکلیف علیه جناح های رقیب در سطح جهان و منطقه خاورمیانه نیست. به دیگر سخن نزدیک به پانصد روز است که دولت اسرائیل به طور مرتب در حال بمباران، گلوله باران و کشت و کشتار کودکان و زنان در غزه است. نزدیک به پانصد روز است که بی دفاع ترین انسان ها را در میدانی محدود به تله انداخته اند و از زمین و هوا به تعرضات جنون آمیز خود ادامه می دهند تا به گمان خویش ریشه «تروریست» را بخشکانند.

به هر روی، حملات جنون آمیز ارگان های سرکوب نتانياهو به غزه یکبار دیگر سه موضوع را در صحن سیاسی جهان برجسته کرده است: اول، تعدی بیش از پیش دولت اشغالگر اسرائیل به یاری و با حمایت های بی پروا دولت های بزرگ همچون امریکا، آلمان، انگلیس و دیگر نظام های وابسته منطقه خاورمیانه علیه بی دفاع ترین توده های محروم غزه. دوم،

عربان‌تر شدن فطرت دولت‌های سرمایه‌داری در برابر بدیهی‌ترین خواسته‌های ابتدائی مردم، یعنی دسترسی به نان‌و آب و زندگی در سرزمین خود؛ و سوم، عکس‌العمل و اشغال به‌موقع خیابان‌های دنیا توسط مخالفین سیاست‌های جنگی امپریالیست‌ها و حمایت میلیون‌ها توده دردمند از آنچه جانباختن بشریت در حق زنان و کودکان و دیگر محرومان در غزه به کار گرفته‌اند، هست.

بنا به خبرها و پیام‌های منتشره از سوی‌های متفاوت، به‌ظاهر کمتر کسی موافق ارتکاب جنایات در این بُعد توسط دولت غاصب اسرائیل است. به‌این‌علت که توضیح آن در درون بسیار مشکل و برابر با افزودن تنفر میلیون‌ها انسان رنج‌دیده از حاکمان دزد و فاسد است. به‌طور واضح، موافقت علنی پیرامون محاصره و درد و رنج کودکان و مردم غزه که به بی‌رحمانه‌ترین شکل ممکن مورد هجوم وحشیانه قرار گرفته‌اند، آسان نیست. چون‌که خارج از انگاره انسانی است و نمی‌توان مقدار و اثرگذاری منفی آن را در ذهن میلیون‌ها انسان رنج‌دیده جهان نادیده گرفت. بمباران مدارس، اماکن عمومی، خانه‌ها و به‌تبع آن آتش زدن بیمارستان‌ها، نشانه کینه‌توزی دولت‌های سرمایه‌داری علیه بشریت بی‌دفاع و گیرکرده در چنبره سیاست‌های جنگی امپریالیست‌ها است. از این‌رو می‌توان گفت که قلم از شرح و بیان وقایع ارتكابی جنون‌آمیز توسط نتانیا‌هو ناتوان است. جداً نمی‌توان صحنه‌های دل‌خراش و بدن‌های پر از خون و تکه‌پاره شده کودکان و زنان را مشاهده کرد و بی‌احساس یا بی‌تفاوت از آن‌ها گذشت. نمی‌توان جنایات سبوعانه دولت غاصب اسرائیل را دید و به‌شدت تنفر و انزجار خود نیفزود. جنایاتی که خودی‌هایشان مجبورند به‌ظاهر و برای حفظ حیثیت سیاسی و به‌ویژه به جهت انحراف افکار عمومی در سوی مقابل آن قرار گیرند که نمونه‌های آن صدور اطلاعیه‌های بی‌بنیاد توسط پارلمان عربی، سازمان ملل و نظایر این‌ها پیرامون آتش زدن بیمارستان‌ها، کشتن زخمی‌ها و صدمه‌دیدگان و دستگیری کاردهای پزشکی توسط ارتش سرکوبگر نتانیا‌هو است.

درست است که توده‌های غزه تنها مانده‌اند، درست است که مخالفین دولتی در کارزار فرومایه و در حقیقت در چهارچوب سیاست‌های دیکته شده بانیا‌و و سناریونویسان وضعیت فعلی همسو هستند. درست است همه طرفین از تداوم وضعیت فعلی ذینفع هستند. اما جامعه‌ای به‌غیر از جامعه سرمایه‌داری در صفت مستقل و خودجوش، به‌صفت شده و خواهان نابودی دستگاه و مناسبات ظالمانه و محاکمه عاملین و جنایت‌کارانی همچون نتانیا‌هو است. تظاهرات و اعتراضات خیابانی، برگزاری مراسم‌های گوناگون در حمایت از توده‌های محروم غزه، جز این نیست که جنبش مخالفت با سیاست‌های امپریالیستی در سرتاسر جهان سر بازایستادن ندارد و در عمل نشان داده است که باوجود فقدان سازمان‌یافتگی مناسب، صدا و شعار خود را علیه جهان سرمایه‌داری بلندتر و رادیکال‌تر کرده و خواهان صلح و اعطای سرزمین فلسطینیان به صاحبان اصلی آن است. همچنین به‌درست، هوشیاری و برآمد وجدان جهان متضاد با جهان سرمایه‌داری روزبه‌روز رو به افزون و دولت‌مداران امپریالیستی را وحشت‌زده کرده و علی‌رغم تمهیدات، تهدیدات و دستگیری مخالفین در اقصا نقاط دنیا، همچنان صحن سیاسی جوامع متفاوت را در حمایت از دردمندان غزه، زنده نگاهداشته است.

بر پایه چنین نمادهائی حکومت‌مداران و دولت‌مداران جهان فهمیده‌اند که جنبش مخالفت و اعتراضات مردمی قابل‌برگشت نیست. فهمیده‌اند که باوجود هجوم وحشیانه و سازمان‌یافته، قادر به سد مقاومت و ایستادگی قربانیان سیستم امپریالیستی و به‌ویژه پاکیزگی اعمال نتانیا‌هو جنایت‌کار نیستند. دولت اسرائیل با همیاری قدرت‌مداران بین‌المللی و دولت‌های منطقه خاورمیانه قساوت و درنده‌خوئی را به بالاترین حد ممکن رسانده است و به‌راستی اعمال بیش‌از‌حد، پیش‌تر از گفته‌ها است. این جهان نابرابر و یک‌سویه‌ای است که دنیای سرمایه‌داری مدافع و در پی آن است؛ بنابراین تکرار این موضوع بی‌مناسبت نیست که در فرهنگ سرمایه‌مداران مضمون کلماتی همچون باور به دمکراسی، رعایت

حقوق بشر، متعهد به اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل و نظایر این‌ها، بی‌مقدار و نیز کاملاً ناسازگار با مشاهدات و اتفاقات علیه مردم غزه است. ضمن اینکه نمایندگان حقوق بشر و به‌اصطلاح حکومت‌های وفادار به دموکراسی، قرارشان بر این بود که زندگی آرام و بهتری را برای مردم سازمان دهند. قرارشان بر این بود که خرابه‌ها را آباد و میدان‌های آموزشی را برای کودکان، یعنی سرمایه‌های آتی جوامع متفاوت، بیش و بیشتر کنند، اما آنچه تا به حال اتفاق افتاده و در حال وقوع است، چیزی جز تخریب مدارس و تلف کردن جان باقیمانندگان در سرزمین محاصره‌شده غزه نیست. در حقیقت هیچ مکان و جایی در غزه امن نیست. بیمارستان‌ها و زخمی‌ها از تیررس ارگان‌های سرکوب دولت نتانیاها در امان نیستند. آتش زدن، بمباران، دستگیری کادرهای پزشکی و حمله به بیمارستان‌ها به بهانه حامی و مأمون «حماس» به رویه روزانه سیاست نتانیاها تبدیل شده است تا جایی که هفته قبل ارتش سرکوبگر اسرائیل با آتش زدن و هجوم وحشیانه به «بیمارستان کمال عدوان» در جبلیا، یعنی آخرین مرکز درمانی بزرگ شمال غزه، جان بیست نفر را گرفت و دویست و چهل نفر از کادرهای پزشکی و همچنین «حسام ابوصفیه»، مدیر «بیمارستان عدوان کمال» را به جرم «تروریست» دستگیر کرده است. آتش زدن و دستگیری‌هایی که بوق‌های تبلیغاتی نتانیاها آن را به عنوان «بزرگترین عملیات خود» در منطقه توصیف کرده‌اند!

اوج فرومایگی و سخت‌روئی نظام‌های سرمایه‌داری را در موضوع بالا به‌روشنی می‌توان دید. تعدادی زخمی و مراقبان مصدومان و کادرهای پزشکی را به همراه وسایل جراحی و اتاق‌های عمل مختص به کودکان را درب‌وداغان کرده‌اند و در همان حال و با وقاحت تمام آن را در ضمیر «بزرگترین عملیات خود» توضیح می‌دهند!

به‌واقع این چه جهان و منطقی است که حمله به مراکز پزشکی از تعرض و از تیررسش به دور نیست؟ این چه جهان و منطقی است که سرزمین دیگران را به‌زور اسلحه اشغال می‌کنند و کمترین حق و حقوقی برای صاحبان اصلی آن قائل نیستند؟ این چه نظام و دستگاهی است که کودکان را در بدترین شرایط ممکن به حال خود رها می‌کنند و حاضر به قبول کمترین مسئولیت انسانی در قبال آن‌ها نیستند؟

به‌طور حتم و یقین، جهان انسانی متحیر از این همه جنایات و خشونت علیه کودکان، بیگانه‌ها و قربانیان مناسبات و سیستم امپریالیستی است. متحیر از این است که چگونه تعدادی انگشت‌شمار به یمن سلاح‌های مدرن و مخرب، سینه نحیف کودکان را نشانه می‌گیرند تا قدرتشان را به آنان نشان دهند. جنایت در غزه در همه قسمت‌های آن، یعنی از کشتن، قطع غذا، آب و برق و خلاصه از زندگی در زیر چادرهای پر از آب و آن‌هم در هوای سرد و بارانی غیرقابل‌شرح و بیان است. این جهان بی‌رحمی است که قدرت‌مداران بین‌المللی به یاری دولت‌های هار و خشن منطقه به مردم و کودکان تحمیل کرده‌اند. منظور اینکه بی‌سرپناهی و سرما و فقدان امکانات اولیه زندگی جان چندین کودک چندماهه در غزه را گرفته است و دولت‌های مدعی و به‌ظاهر انسان‌دوست، بیش از یک سال است که ناظر آتش زدن بیمارستان‌ها، دستگیری پرسنل پزشکی و از دست رفتن کودکان [در حقیقت همراه و همکار سیاست‌های دولت اسرائیل] در غزه هستند. علل آن جز این نیست که هیچ‌یک از آن‌ها ربط و علاقه‌ای به مردم، حمایت از کودکان و حفظ و تضمین تنها مکان دوا و درمان زخمی‌ها، یعنی بیمارستان‌ها ندارند.

چکیده اینکه، سرمایه‌داران جهان میلیون‌ها انسان را در شرایط اسفباری قرار داده‌اند و حلقه‌های اسارت، بردگی و کشتار را تنگ‌تر و وسیع‌تر کرده‌اند تا سیستم جهل و جنایاتشان محفوظ بماند. پیداست که سیستم حاکم در جهان ناحق و مجریان آن با هر رنگ و لباس، ادعا و شکل حکومتی در یک ردیف هستند. همه شارلاتان و ترفندباف و همه حامی استثمار و عامل بدبختی و مثله کردن بدن‌های نحیف کودکان هستند. برخلاف ادعای دفاع از مردم غزه و محکومیت حمله به کودکان و بیمارستان‌ها، در چرخش بهتر مناسبات سرمایه‌داری هم‌زبان و هم‌عقیده و بخشی از مناسبات

امپریالیستی هستند و بی‌جهت نیست که برآمد سیاسی مشترک و سازگاری آن واحد است. به‌هر حال به‌طور روزانه نشان داده‌اند که بنیاداً مخالفتی در پیشبرد سناریوهای نوشته و تصویب‌شده سیاست‌های جنگی امپریالیست‌ها در منطقه خاورمیانه ندارند. آنچه روشن‌شده است اینکه قدرت‌مداران بین‌المللی در زمان‌ها و در دوره‌های متفاوت مکان‌ها و بازیگران را به‌منظور اجرای سیاست‌های به‌جامانده‌شان، جابه‌جا می‌کنند. موضوعات و اهداف تیره‌روزی که به‌طور کامل در گوشه‌کنار منطقه خاورمیانه و دیگر نقاط دنیا قابل‌رویت است. ولی باوجود یکه‌تازی سرمایه‌داران، تردید نیست که چنین وضعیتی پایدار و همیشگی نخواهد ماند و ریل سیاست تغییر و روزی فرا خواهد رسید که حاکمان اشغالگر و ستمگر یکی پس از دیگری توسط صاحبان اصلی جوامع بشری به زیر کشیده خواهند شد و پرچم جامعه متناسب با حقوق سازندگان اصلی آن را بر خواهند افراشت. جامعه‌ای که مدافع همیاری و همزیستی با هر رنگ و نژاد به‌منظور رشد و بالندگی جامعه انسانی است. در حقیقت انجام آن علی‌رغم وضعیت ناگوار و کمبودها ممکن است. برای اینکه جنبش‌های اعتراضی حامل توانائی و پتانسیل بالا هستند که تجلی آن را به‌راحتی می‌توان در خیابان‌های جهان و در حمایت از سرکوب‌شدگان و استثمارشوندگان به‌عین دید. تلاش و درک عمیق‌تر این موضوع یعنی بازگویی اهداف پشت پرده امپریالیست‌ها و افشای پادوهای آن‌ها می‌تواند موقعیت سیاسی و نظری را در درون جنبش‌های اعتراضی شفاف‌تر سازد و همچنین زمینه‌های شکل‌گیری تحریکات سازمان‌یافته نیروی جوان را آماده‌تر کند. در نتیجه جنبش‌های اعتراضی و جنبش مخالفت علیه جهان سرمایه‌داری نیازمند سازمان و نیروی براننده با خواسته‌های پایمال‌شده و بنیادی آنان است. نیازمند هدایتگری کمونیستی با برنامه در برابر سازمان‌های بقای مناسبات و سیستم امپریالیستی است. تنها در چنین موقعیتی، یعنی در مناسبات کمونیستی است که جهان انسانی بیش از این ناظر کشت‌وکشتار زنان، کودکان و تخریب خانه و کاشانه مردم و بیمارستان‌ها توسط جانیانی همچون نتانیاهاو خواهد بود.

۳ جنوری ۱۴/۲۰۲۵ دی- جدی- ۱۴۰۳